

درآمد ۱۰ میلیاردی

از دزدی خانه‌ها

دزد حرفه‌ای خانه‌هاست و چند بار زندان هم او را ادب نکرده‌است. آخرین بار وقتی از زندان آزاد شد، تصمیم گرفت از همه تجربیاتش در این چند سال استفاده کند و باندهی تشکیل دهد که دست پلیس هیچ وقت به آنها نرسد. او اما در معادلاتش اشتباه کرده بود و بعد از ۶۰ سرقت دستگیر شد. این هفته رودروی این سارق نشستیم و او از شرکدهای سرقت گفت و در پایان هم به خوانندگان تپش برای این که خانه‌هایشان مورد دستبرد قرار نگیرد، هشدار داد.

چطور به خانه‌ها دستبرد می‌زدید؟

هر سارقی برای سرقت شگردی دارد و شگرد ما هم دیلم زنی بود.

دیلم زنی یعنی چی؟

خانه‌ها را انتخاب کرده و با دیلم انداختند بین در و یک کم زور قفل تخریب می‌شد و راه برای ورود ما باز.

چطور خانه‌ها را انتخاب می‌کردید؟

یک روش قدیمی، من و همسرم به عنوان زاغ زن در محلات می‌چرخیدیم و خانه‌ای را پیدا می‌کردیم که اطرافش دوربین نبود، زنگ در را می‌زدیم. اگر کسی جواب می‌داد اسمی را می‌گفتیم و طوری وانمود می‌کردیم که آدرس را اشتباه آمده‌ایم. اما اگر کسی جواب نمی‌داد، آن خانه را نشان کرده و می‌رفتیم و یک ساعت دیگر با اعضای باند برمی‌گشتم. دوباره زنگ می‌زدیم و اگر کسی جواب نمی‌داد، وارد عمل شده و سرقت را انجام می‌دادیم.

چه وسایلی سرقت می‌کردید؟

پول، طلا و ارز.

چطور جایش را پیدا می‌کردید؟

کاری ندارد. به جرات می‌گویم ۸۰ درصد زنان ایرانی جای مشخصی برای مخفی کردن طلاهایشان دارند. ابتدا سراغ این محل‌ها مثل کنسوی کمد، میان رختخواب و جیب لباس‌های داخل کمد دیواری می‌رفتیم. اغلب هم دست خالی برنمی‌گشتیم.

چه مدت در خانه بودید؟

به طور میانگین ۱۰ تا ۲۰ دقیقه. بیشتر از این ریسک داشت و احتمال دستگیری بالا می‌رفت.

همیشه دست پر بیرون می‌آمدید؟

دست خالی نبودیم اما گاهی مقدار طلاها کم بود و حدود ۵ میلیون تومان کاسب می‌شدیم.

اگر دست پر بیرون می‌آمدید، چقدر گیرتان می‌آمد؟

متفاوت بود. گاهی چند میلیارد، البته مالخر که ارزش اصلی طلاها را به ما

نمی‌داد و گاهی نصف ارزش طلاها را می‌گرفتیم.

باندتان چند نفره بود؟

شش مرد و دو زن بودیم. زنان برای پوشش محل و این‌که اهالی شک نکنند همراهان می‌آمدند. برای هر سرقت سه نفره می‌رفتیم. خیلی حرفه‌ای عمل کردیم اما دستگیر شدیم.

چرا فکر می‌کنی حرفه‌ای بودی؟

ببینید ما همیشه از یک شهر سرقت نمی‌کردیم و بعد از خالی کردن چند خانه به شهر دیگری می‌رفتیم. خاوری خریده بودیم و با آن شهر به شهر می‌چرخیدیم. دو موتور هم داشتیم که عقب خاور گذاشته بودیم و در زمان‌های سرقت پلاک جعلی روی آن نصب کرده و در دزدی‌ها استفاده می‌کردیم.

چند وقت است سرقت می‌کنید؟

شش ماه.

چقدر گیرتان آمد؟

حدود پنج میلیارد تومان.

اما پلیس میزان سرقت‌ها را ۵۰ میلیارد تومان اعلام کرده است؟

این براساس اعلام مالباختگان است. گاهی مالباخته‌ها مبلغ بیشتری را اعلام می‌کنند و ما هم دلیلی برای اثبات آن نداریم. از طرفی مالخر هم درصد کمی از ارزش اصلی طلاها را به ما می‌دهد. اما مطمئنم که ۵۰ میلیارد تومان نبود.

چرا کلاه گیس سرت می‌گذاشتی؟

همه فکر می‌کنند برای تغییر چهره این کار را می‌کنم. اما همسرم از آدم کچل خوشش نمی‌آید و به خاطر او کلاه گیس می‌گذاشتم تا کچلی‌ام معلوم نشود.

چطور دستگیر شدید؟

فکر کنم دوربین فیلم ما را در یکی از سرقت‌ها در اطراف کرج گرفته بودند و همه سابقه‌دار بودیم و زود شناسایی و دستگیر شدیم. البته اگر پلیس دو روز دیرتر هویت ما را شناسایی می‌کرد، دستگیر نمی‌شدیم. در حال فرار به سمت سمنان بودیم که دستگیر شدیم.

هشدار یک دزد به شهروندان

به عنوان یک دزد حرفه‌ای و سابقه‌دار اگر بخواهی به شهروندان توصیه‌ای کنی تا خانه‌شان مورد دستبرد قرار نگیرد، چه می‌گویی؟

ببینید برای دزد در ضد سرقت نداریم و دزد می‌تواند هر دری را باز کند اما بعضی درها به دلیل تجهیزاتی که دارند، دیرتر باز می‌شوند و ریسک ورود به این خانه‌ها بالاست. دزدان قدیمی از در وارد می‌شوند و این روزها ورود از بالکن خانه راحت‌تر است. اغلب در و پنجره‌ها آلومینیومی است که با یک ضربه باز می‌شود. پس فقط به فکر امنیت در خانه نباشید و از پنجره‌ها هم غافل نشوید. نکته دیگر این‌که شهروندان تصور می‌کنند دزدان همچنان شب‌ها دزدی می‌کنند. این برای قدیم بود الان دزدی در عصر و حوالی غروب راحت‌تر است و در این موقع کمتر به ما شک می‌کنند. پس اگر عصر یا در طول روز هم بیرون می‌روید، در و پنجره‌ها را قفل کنید.

پول و طلاها را سعی کنید در خانه نگهداری نکنید و در صندوق امانات قرار دهید. بعد از سرقت بانک ملی کاسبی ما بهتر شد و خیلی‌ها پول و طلاها را از صندوق امانات به خانه‌ها آوردند. اگر پول و طلا را در خانه نگه می‌دارید، داخل اتاق خواب، میان رختخواب و لوله بخاری دیگر جای امنی برای مخفی کردن آنها نیست.

گفتگو

تپش

۲ | ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام‌جم

چهارشنبه ۱۲ بهمن ۱۴۰۱ | شماره ۱۰۰۵

پدرخوانده

یا رابین هود

رفتارها و سبک زندگی قاچاقچیان مواد مخدر در آمریکای لاتین به‌گونه‌ای است که گاه از فرط خشونت‌هایی که انجام می‌دهند، میان توده‌های فقیر هوادار جذب کرده و به افراد محبوب آنان تبدیل می‌شوند. این قاچاقچیان بزرگ در قالب باندها و تشکیلات خود، عملاً یک دولت در درون دولت مرکزی به وجود می‌آورند. آنها سرباز و اسلحه دارند، در مناطق تحت کنترل خود قانون وضع می‌کنند و حتی قواعد خاصی برای وفاداری و خیانت دارند. از نمونه‌های معروف این افراد می‌توان به پابلو اسکوبار کلمبیایی اشاره کرد که القاب سلطان کوکائین، رابین هود و پدرخوانده را یک می‌کشید. روبرتو اسکوبار، برادر و حسابدار شخصی پابلو، در یکی از مصاحبه‌هایش گفته بود، وی در دوران اوج قدرتش هفته‌ای چهار میلیون و ۲۰۰ هزار دلار درآمد داشت. ثروت پابلو به قدری عظیم بود که صندوق‌های پول نقد را در مزارع کشاورزی، انبارهای مخروبه و بین دیوار خانه‌های اعضای شبکه خود پنهان می‌کرد و هر سال حدود ۱۰ درصد این پول‌ها به دلیل جویدن موش‌ها یا نفوذ آب از بین می‌رفت. تنها پسر او سال ۲۰۰۹ در مصاحبه‌ای با دبلیو تلگراف گفت یک بار پدرش هنگام فرار همراه اعضای خانواده حدود دو میلیون دلار اسکناس را آتش زد تا با آنها گرم شویم و غذا بپزیم.

سال ۱۹۸۹ نشریه فوربس وی را به عنوان هفتمین مرد ثروتمند دنیا معرفی کرد. ثروت او بر اساس اخبار این نشریه چیزی نزدیک به ۳۵ میلیارد دلار برآورد شد. کارتل او بخش بزرگی از قاچاق مواد به آمریکا، مکزیک، پورتوریکو، جمهوری دومینیکن و سایر نقاط قاره را زیر سیطره خود داشت و کنترل بیش از ۸۰ درصد قاچاق کوکائین در جهان نیز به عهده اسکوبار بود. با این حال این قاچاقچی شاید به خاطر تجربه گذشته از زندگی در فقر و تنگدستی دوستدار فقرا بود و به مردم تنگدست کمک می‌کرد؛ برای همین در کلمبیا گروهی به او لقب رابین هود داده بودند. اسکوبار در ادامه راهش برای پیشسازی در قاچاق مواد، کلمبیا را به پایتخت قتل در جهان تبدیل کرد و بیش از ۷۰۰۰ قتل سازماندهی شده سال ۱۹۹۱ توسط مافیای او انجام شد. وی حتی در این راه به بیش از ۶۰۰ جوان فقیر پاداش‌های زیادی برای کشتن و کنار زدن افسران پلیس پرداخت.

او سرانجام در یک درگیری مسلحانه با پلیس، هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد.